

اخلاق و سیره امام حسین علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8?">

جود و کرم امام حسین علیه السلام

حسین بن علی علیه السلام در بخشش زبان زد مردم روزگار بود. نقل می کنند روزی مرد صحرانشین مستمندی وارد مدینه شد و از مردم سراغ بخشنده ترین فرد را گرفت. همه مردم حسین بن علی علیه السلام را به او معرفی کردند. وقتی در مسجد به خدمت آن حضرت رسید و نیازمندی خود را با خواندن چند بیت شعر بیان کرد، امام حسین علیه السلام او را به خانه آورد و به قنبر فرمود: هر مقدار پول در خانه داریم حاضر کن. قنبر چهارهزار دینار به خدمت آن حضرت آورد و گفت: این تمامی پولی است که در اختیار داریم. امام حسین علیه السلام همه آن چهارهزار دینار را از پشت در به آن مرد بادیه نشین داد. منظور حضرت از این برخورد آن بود که چشم آن مرد به چشم او نیفتد که مبادا خجالت زده شود. مرد اعرابی وقتی پول ها را گرفت، در حالی که گریه می کرد چنین گفت: مگر پول کمی به من بخشیدی که از پشت در آن را به من می دهی؟ در عجبم که چگونه این دست های بخشنده و پربرکت روزی زیر خاک خواهد رفت.

فروتنی امام حسین علیه السلام

در روزگاری که فخرفروشی به دارایی رونق بسیار داشت و ثروتمندان از روی تکبر به مستمندان توجهی نداشتند و از نزدیک شدن به آنها دوری می جستند، امام حسین علیه السلام با کمال تواضع با مساکین نشست و برخاست می کردند. نقل می کنند روزی آن حضرت از محلی می گذشت. عده ای فقیر سفره کوچکی را که مقدار کمی غذا در آن داشتند پهن کرده بودند و مشغول خوردن آن بودند. وقتی چشمشان به امام حسین علیه السلام افتاد او را به سفره خود فرا خواندند. امام علیه السلام فوراً دعوت آنها را پذیرفت و در کنار آنها نشست و با آنان هم غذا شد و فرمود: خداوند انسان های متکبر را دوست نمی دارد. آن گاه که از غذا خوردن با آنها فارغ شد به آنان فرمود: حالا که من دعوت شما را پذیرفتم، شما نیز دعوت مرا بپذیرید به منزل من بیاوید تا مهمان ما شوید. وقتی آنها به منزل حضرت آمدند، با تمام وجود از آنها پذیرایی کردند.

گذشت امام حسین علیه السلام

در مسیر کوفه حرّ بن یزید ریاحی با هزار نیروی نظامی تا دندان مسلح خود را به سپاه امام حسین علیه السلام رساند و در مقابل یاران اندک آن حضرت صف آرایی کرد تا مانع ادامه راه آنها شود. او نه اجازه داد آنها به سمت کوفه بروند و نه آنان را به حال خود گذاشت تا به مدینه برگردند بلکه آنها را به طرف سرزمین کربلا کشاند و در آن جا متوقّف ساخت این کار باعث شد امام و یاران او گرفتار سربازان ستمگر یزید شوند. اما در روز عاشورا وقتی حرّ از سپاه عمر سعد کنار کشید و خود را به امام علیه السلام رساند و از آن حضرت طلب عفو کرد و عرض کرد «آیا خدا توبه مرا می پذیرد؟»، امام حسین علیه السلام با روی گشاده و آغوش باز حرّ را پذیرفت و به او فرمود: «آری

خداوند متعال توبه تو را می پذیرد و همه گناهانت را می آمرزد».

رسیدگی به مستمندان

امام حسین علیه السلام در نهان و آشکار نسبت به تأمین نیازهای مستمندان اهتمام فراوانی داشتند و در تاریکی شب به خانه آنها آذوقه می بردند. شعیب بن عبدالرحمن خزاعی می گوید: وقتی حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیدند در پشت او آثار زخم و پینه مشاهده کردند. وقتی علت را از حضرت سجاد علیه السلام پرسیدند، آن حضرت فرمودند: «این پینه ها اثر کیسه های غذا و آذوقه ای است که پدرم آنها را شب ها به دوش می کشید و به خانه زنان بی سرپرست و کودکان یتیم و فقرای ناتوان می رساند. نه سایر مردم از این کار باخبر می شدند و نه حتی خود مستمندان آن حضرت را می شناختند».

عبادت امام حسین علیه السلام

اهتمام امام حسین علیه السلام به عبادت خداوند زبان زد مردم بود. در طول عمر مبارکشان حدود 25 بار پیاده برای گزاردن مراسم حج از مدینه به مکه رفتند. آن حضرت همواره به یاد خدا بودند و آثار خشیت در چهره مبارکشان نمایان بود. روزی شخصی از او پرسید: علت این همه خوف تو از خدا چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: کسی که در دنیا از خدا نترسد، در روز قیامت از عذاب او ایمن نخواهد بود. علاقه امام حسین علیه السلام به نماز بسیار بود. نقل شده است آن حضرت در روز تاسوعا به برادرش حضرت عباس بن علی علیه السلام فرمودند: «به دشمن بگو امشب را به ما مهلت دهد تا به نماز و راز و نیاز با خدا و تلاوت قرآن بپردازیم. خداوند متعال می داند که من نماز و تلاوت قرآن و دعا و استغفار را دوست دارم».

شجاعت امام حسین علیه السلام

وقتی امام حسین علیه السلام مقارن ظهر عاشورا و پس از به شهادت رسیدن تمام یارانش به سپاه دشمن حمله کرد، کسی یارای ایستادگی و مبارزه با آن حضرت را نداشت. حمید بن مسلم می گوید: «به خدا سوگند، در عمرم هیچ مردی را ندیدم که همه عزیزان و یارانش کشته شده باشند و همانند حسین بن علی علیه السلام با دلاوری تمام با دشمن به مبارزه بپردازد. دشمنان از هر طرف به او حمله می کردند، اما او بدون ترس با تمام وجود با آنها می جنگید و به هر طرف که حمله می کرد سپاهیان یزید هم چون روباه از برابر او می گریختند؛ حتی نقل می کنند عمر سعد از مشاهده نوع جنگ تن به تن آن حضرت شگفت زده و هراسان شده بود. در نتیجه به لشکریان خود دستور داد به طور دسته جمعی به امام علیه السلام یورش ببرند؛ چون می دانست در جنگ تن به تن کسی را یارای مقاومت در برابر آن حضرت نبود».

علم امام حسین علیه السلام

حسین بن علی علیه السلام وارث علم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است و به اعتراف دوست و دشمن، در این زمینه نظیری برای او در دوران امامتشان نبوده است. روزی نافع بن ارزق رهبر فرقه «ازارقه خوارج» درباره خدانشناسی سؤالاتی از آن حضرت پرسید. امام حسین علیه السلام چنان پاسخ های محکم و مناسبی دادند که

ابن ارزق از شگفتی و شعف گریست و سپس گفت: «چه نیکو پاسخ دادی!» امام حسین علیه السلام به او فرمودند: «به من رسیده است که تو به من و پدر و برادرم نسبت کفر می دهی». ابن ارزق گفت: «یا حسین، اگر این ناسزا از من صادر شده است، به خدا سوگند اکنون اعتراف می کنم که به یقین شما چراغ اسلام و ستارگان احکام خداوندید. یعنی مردم باید از انوار علوم و معارف شما روشنی بجویند و در تاریکی های نادانی به ستاره های وجود شما هدایت شوند».

فصاحت و بلاغت امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در نظم و نثر همانند پدر بزرگوارشان بسیار فصیح و بلیغ بوده اند. نقل می کنند روزی یک مرد عرب گفت می خواهم افصح و ابلغ عرب را ببینم. به او امام حسین علیه السلام را نشان دادند. او در خدمت آن حضرت اشعار بسیار زیبایی قرائت کرد. بلافاصله امام حسین علیه السلام در جواب او اشعاری را به همان وزن و قافیه سرودند و این کار مایه حیرت آن شاعر بزرگ عرب شد. ابن صَبَّاح مالکی و شیخ کمال الدین طلحه شافعی معتقدند فصاحت و بلاغت در پیشگاه امام حسین علیه السلام لشکری خاضع و خاشع بود. ابن اَعَثَم کوفی در مورد امام حسین علیه السلام می گوید: «در روز عاشورا وقتی همه عزیزانش را در کربلا شهید کردند، همانند یک شاعر ماهر و فارغ البال همان طور که شمشیر می زدند اشعار بسیار بامحتوا و زیبایی را می خواندند».